



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

یجب القضاء دون الکفارة فی موارد : أحدها : ما مرّ من النوم الثاني بل الثالث و إن كان الأحوط فیهما الکفارة أيضاً خصوصاً الثالث . الثاني : إذا أبطل صومه بالإخلال بالنیة مع عدم الإتيان بشئ من المفطرات أو بالرياء أو بنیة القطع أو القاطع كذلك . الثالث : إذا نسی غسل الجنابة و مضى علیه يوم أيام كما مرّ . عرض کردیم که صاحب عروة در فصل هفتم مواردی را بیان کرده که در آنها فقط واجب است که و روزه را قضا کند و دیگر نیازی به کفاره ندارد که دیروز سه مورد از آنها را خواندیم و روایات مربوط به آنها را نیز بیان کردیم و مورد بررسی قرار دادیم .

و اما مورد چهارم عبارت است از : « الرابع : من فعل المفطر مراعاة الفجر ثم ظهر سبق طلوعه و أنه كان في النهار سواء كان قادراً على المراعاة أو عاجزاً عنها لعمى أو حبس أو نحو ذلك و كان غير عارف بالفجر و كذا مع المراعاة عدم اعتقاد بقاء الليل بأن شك في الطلوع أو ظن فأكل ثم تبين سبقه بل الأحوط القضاء حتى مع اعتقاد بقاء الليل و لا فرق في بطلان الصوم بذلك بين صوم رمضان و غيره من الصوم الواجب و المندوب بل الأقوى فيها ذلك حتى مع المراعاة و اعتقاد بقاء الليل » . خوب و اما مورد چهارم در مورد کسی است که گمان می کرده که فجر طلوع نشده لذا مفطری را انجام داده ولی بعداً برایش معلوم شده که هنگام انجام آن مفطر فجر طلوع شد بوده که در این صورت قضا بر او واجب است منتهی مسئله به واسطه روایاتی که می خوانیم صوری پیدا می کند ؛ صورت اول آن است که این شخص در فرض مذکور بدون مراعات این کار را کرده یعنی هیچگونه تحقیقی نکرده تا ببیند که آیا فجر طلوع شده است یا نه ، که در این صورت به هر دلیلی یعنی چه قادر بر مراعات باشد یا بواسطه کوری و حبس و نحو ذلك عاجز از مراعات باشد باید قضا کند . صورت دوم این است که مراعات و تحقیق کرده که خود این صورت به سه قسمت تقسیم می شود ؛ اول اینکه بعد از مراعات یقین کرده که هنوز فجر طلوع نشده ، دوم اینکه ظن به عدم طلوع فجر دارد و سوم اینکه شک به عدم طلوع فجر دارد ، خوب همانطور که بعداً عرض خواهیم کرد صاحب عروة در قسم اول (مراعات و یقین به عدم طلوع فجر) با توجه به روایاتی که داریم می فرمایند که قضا ندارد و در مورد قسم دوم و سوم باید به روایاتمان مراجعه کنیم

منتهی قبل از آن باید توجه داشته باشیم که ما گاهی به سراغ روایاتمان می رویم و طبق آنها مشی می کنیم و گاهی به سراغ قواعد می رویم و طبق آنها مشی می کنیم و ممکن است گاهی در روایات نکته ای بر خلاف اصل و قاعده گفته شده باشد زیرا در باب صوم شارع مقدس خیلی از موارد را روزه به حساب آورده در حالی که صوم نیستند زیرا شرعاً حقیقت صوم این است که انسان با نیت از طلوع فجر تا غروب آفتاب از جمیع مفطرات امساک کند در حالی که در خیلی از جاها روزه به این شکل محقق نشده ولی شارع مقدس تسهیلاً آنها را قبول کرده و صوم به حساب آورده مثلاً یکی از شرایط صحت صوم این است که انسان نباید مسافر باشد ولی اگر یک شخصی در صبح ماه رمضان در حالی که روزه است ۱۰۰ فرسخ را با هواپیما طی کند و پیش از ظهر به وطنش و یا محل اقامتش برسد شارع مقدس روزه اش را قبول کرده و یا مثلاً اگر در یوم الشک یک ساعت به غروب معلوم شود که آن روز جزء ماه رمضان بوده اگر شخص صائم همان موقع نیت رمضان کند روزه اش صحیح است و شارع مقدس صومش را قبول کرده ، بنابراین مواردی وجود دارد که شارع مقدس آنها را تسهیلاً روزه به حساب آورده و از شخص صائم قبول کرده است و در ما نحن فیه هم شارع بین قبل و بعد از مراعات فرق گذاشته است ، البته اول باید ببینیم که مقتضای قاعده چیست ؟ قاعده اقتضا می کند که در هر جایی که انسان از طلوع فجر تا غروب آفتاب امساک نکرده روزه نباشد فلذا قضا دارد یعنی در تمام مواردی که می خوانیم مقتضای قاعده این است که باید آنها را قضا کند اما روایات ما بین کسی که تحقیق و مراعات کرده تا ببیند که صبح شده یا نه با کسی که اصلاً تحقیق نکرده فرق می گذارد و می گوید که اگر تحقیق کرده و یقین کرده که صبح نشده ولی بعداً معلوم شده که صبح شده بوده روزه اش صحیح است و إلا اگر هیچگونه تحقیق و مراعاتی نکرده روزه اش باطل است و باید قضایش را به جا بیاورد پس ما باید روایات مربوط به بحثمان را به عرضتان برسانیم تا مطلب روشن شود .

صاحب وسائل روایات مربوط به بحثمان را در باب ۴۴ از ابواب ما یمسک عنه الصائم که در ص ۸۱ از جلد ۷ وسائل ۲۰ جلدی واقع شده است ذکر کرده است ، خبر اول از این باب ۴۴ این خبر است : « محمد بن الحسن باسناده عن الحسين بن سعيد عن محمد بن أبي عمير عن حماد عن الحلبي عن أبي عبد الله (ع) أنه سئل عن رجل تسحر ثم خرج من بيته و قد طلع الفجر و تبين ؟ قال : يتم صومه ذلك ثم ليقضيه » . قبلاً عرض کردیم که این خبر سنداً صحیح می باشد و همانطور که می

عدم طلوع فجر (قضا ندارد البته در ادامه می فرمایند ؛ بل الأحوط (مستحبی) القضاء حتی مع إعتقاد بقاء اللیل .

خوب و اما بعضی از محشین و شراح عروه این تفصیل صاحب عروه را قبول ندارند مثلاً حضرت امام(ره) در حاشیه عروه فرموده اند : « الأقوی مع حصول الظن بعد المراجعة عدم وجوب القضاء فضلاً عن حصول الاعتقاد بل عدم وجوبه مع الشک أيضاً لا یخلو من قوّة » بنابراین همانطور که می بینید حضرت امام(ره) ملاک را در عدم وجوب قضا عدم تبیین طلوع فجر قرار داده است که این عدم تبیین اعم از یقین و ظن و شک به عدم طلوع فجر می باشد به خلاف صاحب عروه که می فرمایند فقط در صورت یقین به عدم طلوع فجر قضا ندارد پس بحث بر می گردد به اینکه ما چه استفاده ای از روایت سماعه می توانیم بکنیم ؟ ظاهر روایت حرف حضرت امام(ره) را ثابت می کند زیرا در روایت گفته شده ؛ إن کان قام فنظر فلم یر الفجر و ندیدن فجر اعم از یقین و ظن و شک به عدم طلوع فجر می باشد البته همانطور که در اول بحث عرض کردیم مقتضای قاعده این است که در هر سه صورت یقین و ظن و شک قضا داشته باشد ولی روایت سماعه تفصیل می دهد و مسئله را تقیید می کند بنابراین بحث در این است که روایت چه مقدار و کجا را تقیید می کند و ملاک در این حکم چیست که بستگی به اجتهاد شما دارد .

مطلب دیگری که صاحب عروه در آخر مسئله مطرح می کند این است که : « و لافرق فی بطلان الصوم بذلک بین صوم رمضان و غیره من الصوم الواجب و المندوب بل الأقوی فیها ذلک حتی مع المراجعة و اعتقاد بقاء اللیل » . در فرض مذکور فرقی بین انواع روزه ها نیست بلکه در صوم واجب ولو واجب معین أقوى این است که قضا کند حتی مع المراجعة و اعتقاد بقاء اللیل زیرا طبق قواعد ما صوم عبارت است از امساک با نیت از طلوع فجر تا غروب آفتاب در حالی که در فرض مذکور این شخص بعد از طلوع فجر مرتکب مفطر شده است ، بقیه بحث بماند برای جلسه بعدی

و الحمد لله رب العالمین اولاً و آخراً و صلی الله علی

محمد و آله الطاهیرین

بینید دلالت دارد بر اینکه اگر بعداً برایش معلوم شد که بعد از طلوع فجر چیزی خورده باید آن روز را قضا کند .

خبر دوم از این باب ۴۴ این خبر است : « و باسناده عن احمد بن محمد عن ابراهیم بن مهزیار قال : کتب الخلیل بن هاشم إلی أبی الحسن(ع) رجل سمع الوطاء و النداء فی شهر رمضان فظن أنّ النداء للصبح فجاء و خرج ، فإذا الصبح قد أسفر ، فکتب بخطه : یقضى ذلك اليوم ، إن شاء الله » . همانطور که می بینید این خبر هم مثل خبر قبلی به طور مطلق دلالت دارد بر اینکه اگر کسی در بین حدیث (طلوع فجر تا غروب آفتاب) چیزی بخورد باید بعداً قضا آن روز را بجای آورد .

و اما خبر سوم از این باب ۴۴ اطلاق خبر اول و دوم را مقید به مراعات و عدم مراعات و تحقیق کرده است ، خبر این است : « محمد بن یعقوب عن محمد بن یحیی عن احمد بن محمد عن عثمان ابن عیسی عن سماعه بن مهران قال : إن کان قام فنظر فلم یر الفجر فأکل ثم عاد فرأى الفجر فلیتم صومه ولا أعاده علیه ، و إن کان قام فأکل و شرب ثم نظر إلی الفجر فرأى أنه قد طلع الفجر فلیتم صومه و یقضى یوماً آخر ، لأنه بدأ بالأکل قبل النظر فعلیه الإعادة » . عثمان بن عیسی واقفی المذهب است ولی تقه است لذا خر موثقه می باشد و همانطور که می بینید در این خبر بین قام فنظر و بین قام فلم ینظر تفصیل داده شده و حکم هر کدام از آنها جداگانه بیان شده است لذا این خبر اطلاق دو خبر قبلی را تقیید می کند و حتی این خبر بر خلاف قاعده نیز می باشد زیرا مقتضای قاعده این است که اگر کسی در بین حدیث امساک نکرده روزه نیست اما این خبر می گوید اگر قبل از خوردن مراعات و تحقیق کرده باشد روزه اش صحیح است بنابراین با توجه به روایت سماعه که خواندیم صاحب عروه می فرماید که اگر یقین به عدم طلوع فجر داشته و سپس خورده قضا ندارد و إلا یجب علیه القضاء دون الکفاره (یعنی در صورت ظن و شک به عدم طلوع فجر) .

(اشکال و پاسخ استاد) : استصحاب در جایی جاری می شود که خلافتش کشف نشده باشد در حالی که در مانحن فیه معلوم شده وقتی که او می خورده فجر طالع شده بوده .

خوب حالا می رویم سراغ صورت دوم که مراعات و تحقیق کرده ، همانطور که عرض کردیم صاحب عروه این صورت را به سه قسم تقسیم کردند ؛ مراعات همراه با یقین و ظن و شک به عدم طلوع فجر که ایشان در اینجا با توجه به موثقه سماعه می فرمایند که صورت دوم و سوم (ظن و شک به عدم طلوع فجر) قضا دارد ولی صورت اول (یقین به